

قوانین غیرانسانی و ارتجاعی پوشش اجباری را محکوم میکنیم!



بیانیه جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لایک ایران

با یورش تازه به معلمان، کارگران، زنان و کنشگران مدنی و در پی آن دستگیری و به زندان انداختن فعالان سیاسی، باردیگر حکومت اسلامی ایران چهره مرتجع و مستبد خود را نشان داده است. هجوم وحشیانه حکومت که از اردیبهشت ۱۴۰۱ و درکوشش برای عدم شکلگیری تجمعات وسیع به مناسبت روز کارگر و معلم آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد. موج وسیعی از فعالان مدنی دستگیر شده اند و همچنان در زندان های حکومت استبدادی اسلامی بسر میبرند.

حرکت های گسترده اعتراضی معلمان که در سال گذشته بطور پایدار و مستمر صورت گرفته و موفق به

اجتماعات وسیع در سرتاسر شهرهای ایران شده بود، ترس و وحشت حکومت را در پی داشت که با دستگیری کنشگران و سرکوب اعتراضات به عیان نشان داده شد. در چنین روزهایی، زنان، به مانند چهار دهه گذشته مجدداً و مداوم مورد هجوم و سرکوب حکومت قرار گرفته اند. اگرچه رژیم اسلامی بیش از چهل سال سعی کرده است با هجوم های پی در پی و دستگیری زنان، آنان را وادار به تبعیت از قوانین ارتجاعی کند، اما تاکنون در این امر موفق نشده است.

از آغاز به قدرت رسیدن حکومت اسلامی و اولین محدودیت ها برای زنان، شاهد حضور وسیع و گسترده زنان بعنوان اعتراض و پاسخ در برابر چنین قوانین ارتجاعی و واپس گرا بوده ایم. در تمامی سال های طول عمر حکومت اقتدارگرای اسلامی، هر روز و به هر شکل شاهد مقاومت و ایستادگی زنان بوده ایم و اگرچه با هزینه های سنگینی مانند ضرب و شتم، دستگیری، شلاق و زندان روبرو شده اند، اینبار صدای اعتراض خود را باز هم بیشتر کرده اند و تنفر خود را در برابر سیاست های ارتجاعی حکومت نشان میدهند.

بی شک موج تازه سرکوب، نشان از ترس و وحشتی است که حکومت از وضعیت موجود دارد و برای کنترل و قدرت نمایی دست به هرکاری خواهد زد. در این میان اگرچه اعتراضات زنان در مقاطعی حکومت را مجبور به عقب نشینی کرده است، اما باید اذعان داشت، جنبش زنان، مانند دیگر بخش های جامعه، کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، به منظور رساندن صدای خود، تنها در گرو سازماندهی و ایجاد تشکل های مستقل میباشد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران هرگونه فشار و سرکوب و نیز در پی آن قوانین غیرانسانی و ارتجاعی پوشش اجباری را محکوم میکند و تاکید دارد تضمین حقوق شهروندی و آزادی های فردی، تنها در جامعه ای دموکرات، مستقل و لائیک تحقق پذیر است. ۱

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

13 اوت 2022 – 22 مرداد 1401



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

پیمان‌های استراتژیکِ جمهوری
اسلامی ایران با روسیه و چین را
محکوم کنیم!



استیلاطلب و سلطه‌گراند. هر دو نیز، چون جمهوری اسلامی ایران، رژیم‌هایی اقتدارگرا، خودکامه و توتالیتراوند. این قراردادها در شرایط فقدان کامل دموکراسی، آزادی و عدم نظارت مردمی بر معاهدات و به طور اساسی در نبود هر گونه امکان و آزادی بحث و نقد از سوی مردم و مخالفان در هر سه کشور ایران، چین و روسیه بسته می‌شوند. این قراردادها، به گفته صاحب‌نظران و گزارش‌گران مختلف سیاسی، دربرگیرنده مفاد پنهانی و غیر علنی در جهت تأمین منافع استراتژیک این دو قدرت جهانی است. دو قدرتی که جمهوری اسلامی ایران امروز به هم‌پیمان، متحد و مؤتلف منطقه‌ای و زیر نفوذ آن‌ها تبدیل شده است.

2- این قراردادها به‌ویژه در جهت وابسته کردن هر چه بیشتر و ژرف‌تر کشور ایران به روسیه و چین عمل می‌کنند: وابستگی اقتصادی، مالی، تجاری، نظامی، انرژی، تکنولوژیکی، اطلاعاتی، سیاسی و غیره. از این نقطه نظر این پیمان‌ها سخت اسارت‌بار بوده، وابستگی ایران به دو قدرت نامبرده را برای چندین دهه موجب خواهند شد. سرسپردگی جمهوری اسلامی به این دو قدرت بزرگ و استیلاطلب جهانی را امروزه آشکارا در همه‌ی زمینه‌ها مشاهده می‌کنیم. آخرین نمونه و نمایش بی‌شرمانه آن، پشتیبانی کامل رژیم ایران و شخص رهبر دیکتاتور آن، خامنه‌ای، از جنگ تجاوزکارانه و اشغال‌گرانه روسیه و از دیکتاتور آن، پوتین، علیه کشور مستقل اوکراین و مردم مقاوم آن است.

3- این قراردادهای استراتژیک موجب تقویت و تحکیم رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های داخلی‌اش مبنی بر اعمال دیکتاتوری، بنیادگرایی اسلامی، اختناق، سرکوب، ستم و ترور می‌شوند. با برخورداری از حمایت و کمک‌های همه جانبه به‌ویژه تسلیحاتی روسیه و چین، دیکتاتوری حاکم می‌تواند دست به سرکوب هر چه بیشتر و سهمگین‌تر اعتراضات عمومی و سراسری مردم و جنبش‌های زنان، زحمتکشان، معلمان، بازنشستگان... و دیگر اقشار مردمی برای کسب آزادی و دموکراسی در ایران زند. در نتیجه از این راه به بقا چهل و سه ساله ننگین خود بازهم ادامه دهد.

4- پیمان‌های استراتژیک با دو قدرت هژمونی‌طلب شرقی، رژیم جمهوری اسلامی ایران را ترغیب به ادامه سیاست‌های قدرت‌طلبانه و مداخله‌جویانه‌اش در خاورمیانه و خاور نزدیک، از افغانستان تا لبنان، خواهند کرد. به عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد به حمایت همه جانبه مالی و نظامی از گروه‌ها، احزاب و جریان‌های بنیادگرای

اسلامی و تروریستی در عراق، جنوب لبنان، غزه و یمن. هم چنین، با پشت‌گرمی پیمان با روسیه، دفاع همه جانبه جمهوری اسلامی از دیکتاتور سوریه، بشار اسد، و نگهداری رژیم دیکتاتوری او با همکاری نظامی مشترک روسیه و ایران ادامه پیدا خواهند کرد. به طور کلی باید گفت که با این قراردادهای که بخشاً جنبه‌های قوی نظامی و امنیتی دارند، توانایی‌های جمهوری اسلامی برای سرکوب هر چه بیشتر جنبش‌های دموکراتیک، آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه مردمی در خاورمیانه (در عراق، یمن، فلسطین و جنوب لبنان) بیشتر خواهند شد.

5- این قراردادها، از سوی دیگر، با تشدید اختلاف میان غرب (ایالات متحده و اتحادیه اروپا) و شرق (چین و روسیه)، نه تنها راه خروج از بحران هسته‌ای، رفع تحریم‌ها و مذاکرات برجام را با مشکلات فراوان روبه‌رو خواهند ساخت، بلکه جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر مصمم به ادامه سیاست غنی‌سازی هسته‌ای برای ساختن بمب اتم اش خواهند کرد. بنا به گفته مقامات رسمی ایران و نماینده این کشور در گفتگوهای برجام، ایران در عرض چند ماه قادر خواهد بود، با رشد نرخ غنی‌سازی اورانیومی که بی‌پروا انجام می‌دهد، بمب اتم خود را بسازد.

6- سرانجام، این پیمان‌های ائتلافی با روسیه و چین تنش‌ها و تضادهای جنگ‌افروزانه موجود میان غرب و شرق یعنی از یکسو ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و متحدین آنها و از سوی دیگر روسیه، چین و متحدین آنها را تشدید خواهند کرد. خطر احتمالی جنگ جهانی را افزایش خواهند دهد. می‌توان از هم اکنون پیش‌بینی کرد که با تجاوز اشغال‌گرانه روسیه‌ی پوتین به اوکراین در راستای احیای امپراطوری تزاری و یا شوروی سابق، با هژمونی‌طلبی جهانی و نوین رژیم توتالیتار چین برای گسترش مناطق نفوذ خود در سراسر گیتی و سرانجام با تداوم سیاست‌های بین‌المللی کشورهای دموکراتیک غربی (اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا...) در حفظ یک نظم جهانی غیر عادلانه و نابرابرانه در جهت منافع خود... ما امروزه وارد دنیایی پر تشنج و جدال خواهیم شد. پیمان‌های استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران با روسیه و چین در بستر چنین اوضاع و احوال نگران‌کننده‌ای عمل می‌کنند. تنها باید امیدوار باشیم و در جهت آن تلاش کنیم که قیام‌ها و جنبش‌های اجتماعی و مردمی در سراسر جهان در همبستگی و هم‌کوشی با هم برای آزادی، دموکراسی، رهایی و عدم سلطه... شرایط برآمدن دنیایی دیگر و نوین

را فراهم نمایند.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، بنا بر اصول و ارزشهای همیشه راهنمای خود که آزادی، استقلال، جمهوری، دموکراسی، حقوق بشر و جدایی دولت و دین است، در این جا اعلام میدارد که بستن پیمانهای از نوع قرارداد 20 ساله ایران و روسیه و یا قرارداد 25 ساله ایران و چین، و هر گونه پیمان، قرارداد یا ائتلاف اسارتبار از این دست، چه با قدرتهای جهانی شرقی و چه غربی، از طرف سران رژیم دیکتاتوری ایران فاقد هر گونه اعتبار و مشروعیت دموکراتیک و مردمی است. مردم ایران، از آن جا که در طرح، تعیین، تبیین و امضای این قراردادها مطلقاً هیچ گونه نقش و دخالتی نداشته‌اند و ندارند، به حق میتوانند، در فردای براندازی جمهوری اسلامی به دست خود، از طریق یک رایزنی آزاد و دموکراتیک، این پیمانها را یکسره باطل اعلام کرده و ملغاً نمایند.

ما بر این باوریم که مردمان ایران و خاورمیانه، با تکیه بر تواناییهای مادی و معنوی خود، قادر خواهند بود که در آزادی، استقلال، دموکراسی و صلح، با مشارکت با هم و ایجاد مناسباتی برابرا نه، به دور از سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و بدون عقد پیمانهای اسارتبار با قدرتهای جهانی، راه بهروزی، ترقی، شکوفایی و رهایی در کشور و منطقه خود را هموار سازند.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

8 اوت 2022 - 17 مرداد 1401

آدرس ایمیل تماس با شورای هماهنگی ج.ج.د.ل.ا.:

jomhour.i.democrat.la.ic@gmail.com

آدرس وبسایت تارنمای ندای آزادی:

[/http://nedayeazady.org](http://nedayeazady.org)

آدرس ایمیل تماس با تارنمای ندای آزادی:

jjdli.nedayeazadi@gmail.com



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

لایحه تبادل زندانیان بلژیک با جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنیم



جنبش جمهور خواهان دموکرات و لائیک ایران

بیانیه

دولت بلژیک یک لایحه تبادل زندانیان دو کشور بلژیک و ایران را به پارلمان برده و قرار است که در روز سه شنبه ۵ ژوئیه به تصویب برسد. این لایحه دست حکومت اسلامی را در کشتن مخالفان خود در خارج از کشور، به ویژه در بلژیک، باز می‌گذارد و چراغ سبزی برای آدم‌کشان ایرانی است. ما ضمن محکوم کردن این لایحه به ظاهر فریبنده‌ی حقوق بشری، بر این باوریم که تصویب آن باعث خواهد شد تا حکومت ایران، اتباع دو تابعیتی و همچنین شهروندان بلژیکی را که به ایران سفر می‌کنند، با اتهامات واهی جاسوسی به گروگان بگیرد تا با تروریست‌های زندانی خود در اروپا مبادله کند. از نمایندگان محترم پارلمان فدرال بلژیک درخواست داریم که به تصویب این لایحه برای تبادل زندانیان با حکومت تروریستی اسلامی رای ندهند.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک
ایران

4 ژوئیه 2022 - 13 تیر 1401

جولیان آسانژ را آزاد کنید!



در حالی که محکومیت بیش از ۱۷۵ سال حبس در انتظار جولیان آسانژ پایه گذاری ویکی لیکس میباشد، دولت انگلستان قصد دارد او را به مقامات قضایی آمریکا تحویل دهد. اگر چه به صورت پراکنده توسط برخی روزنامه نگاران و مطبوعات مستقل به این تصمیم دولت انگلیس انتقاد شدید شده، اما اعتراض وسیع و تاثیرگذاری تا کنون صورت نگرفته است. او بخاطر افشای ایمیل های هیلاری کلینتون در دوران انتخابات آمریکا در سال ۲۰۱۷ که منجر به پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات شد، خیلی از پشتیبانان خود را از دست داد.

هیچ مدرک سری توسط جولیان آسانژ از دولت آمریکا ربوده نشده است. او تنها اسنادی را که توسط چلسی الیزابت منینگ به دستش رسیده بود انتشار داد و به همین دلیل چلسی الیزابت منینگ (سرباز آمریکایی) به زندان محکوم و بعد هم در سال ۲۰۱۷ مورد عفو قرار گرفت. جولیان آسانژ، خبرنگار استرالیایی، در حقیقت وظیفه خبرنگاری خود را انجام داده است. او جنایت جنگی توسط ارتش آمریکا در زندانهای عراق و گوانتانامو و همچنین اسناد محرمانه ای که حاوی جنایت جنگی ارتش آمریکا بود را افشا کرد. اسنادی که نشان می داد چگونه سربازان آمریکائی، افراد بیگناه و غیر نظامی را در عراق کشته اند و یا کارمندان سازمان جاسوسی سیا در گوانتانامو

انسانها را شکنجه کرده اند. او به عنوان شهروند استرالیایی هیچ کار خلاف و مغایر با قانون در آن کشور انجام نداده است. ویکی لیکس نیز یک شرکت آمریکائی نیست. جرم او تنها انتشار اسناد محرمانه ای است که نمیبایست افشا می شد.

آسانر در حال حاضر در یکی از زندان های انگلستان بسر می برد. در صورت تحویل او به آمریکا، ضربه بزرگی به آزادی مطبوعات در جهان خواهد بود. در اینجا محاکمه مجرمین جنایت جنگی و نقض حقوق بشر فراموش شده و خبرنگاری را با تابعیتی غیر آمریکایی که چنین جنایاتی را در سطح جهانی افشا کرده است، میخواهند به مقامات قضایی آمریکا تحویل دهند تا در آنجا محاکمه شود!

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران که از آزادی مطبوعات و خبرنگاران، آزادی بیان و عقیده در همه جا و در همه کشورهای جهان دفاع میکند، تصمیم به تحویل جولیان آسانر توسط دولت انگلستان به دولت آمریکا را محکوم کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری او می باشد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

جمعه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

بیانیه سیاسی

یازدهمین گردهمایی سراسری

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

(28 و 29 می 2022 - 7 و 8 خرداد 1401)

شاخص اصلی سال ۱۴۰۰ در ایران انتخابات مهندسی شده و نمایشی ریاست جمهوری بود که به مانند چهاردهه، حکومت اسلامی خود را پیروز انتخابات اعلام کرد. اما با توجه به عدم شرکت اکثریت مردم، این انتخابات یک شکست مفتضحانه برای حکومت و پیروزی برای مردم بود. طبق آمار رسمی وزارت کشور (که خود غیر قابل اعتماد است)، تنها ۴۸ درصد از مردم دارای حق رای، در انتخابات شرکت کردند که تازه، ۱۳ درصد از آنان هم رای باطله دادند.

حکومت اسلامی از آغاز استقرار خود ادعای برگزاری انتخابات داشته است. انتخاباتی که در جمهوری اسلامی هرگز آزاد و دموکراتیک نبوده و در آن تنها کاندیداهای دست چین شده توسط شورای نگهبان به انتخاب گذاشته میشوند.

انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ را شاید بتوان یکدست ترین انتخابات در ۴۳ سال عمر جمهوری اسلامی ارزیابی کرد. برخی از اصلاح طلبان که هنوز دل به امید تغییر و اصلاحات در دولت بسته‌اند و در خیال و آرزوی نفوذ در هسته سخت قدرت هستند، این بار نیز با کاندیداتوری خود وارد بازی نمایشی شدند که هنوز نیامده، از صحنه انتخابات توسط شورای نگهبان حذف شدند. عدم تایید کاندیداهای اصلاح طلبان در سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری انشقاقی را در جبهه اصلاحات ایجاد کرد. بخشی از آنان که به اصلاحات در درون حکومت چشم دوخته‌اند، به امید

انتخابات آینده باز هم به دنبال رؤیاهای دولت "امید و تدبیر" هستند. دیگر جناح اصلاح طلبان که برخوردی رادیکال تر ارائه می‌دهند، در پی اصلاحات ساختاری، تغییر قانون اساسی و محدود کردن وظایف ولایت فقهی می‌باشند. در این میان نیز بخشی از اینان به سوی نفی کلیت نظام رفته‌اند. بی گمان تغییر در مواضع اصلاح طلبان را می‌توان عدم برخورداری از پشتیبانی مردم دانست که آشکارا با نرفتن به پای صندوق‌های رای، در روند سیاست‌های جبهه اصلاح طلبان نقشی مهم داشته‌اند.

از رویداد قابل تامل دیگری که باید نام برد، مذاکرات ایران با کشورهای موسوم به ۱+۵ برای احیای "برجام" می‌باشد. این مذاکرات که از یک طرف برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای است و از طرف دیگر برای رفع تحریم‌هایی که بدین منظور از طرف جامعه جهانی و به ویژه آمریکا اعمال می‌شود و بار اصلی آن بر گرده تهیدستان و مزد بگیران جامعه می‌باشد، بسیار با اهمیت بود. این مذاکرات در مرحله نهایی با کارشکنی روسیه و هسته سخت قدرت حاکمه که با هر قیمتی به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است، متوقف شد.

در سال پیش رو، بدون رفع تحریم‌ها و با جود چنین حکومت واپسگرا و ایدئولوژیکی، امکان بهبود شرایط اقتصادی و پایان جو امنیتی در جامعه بسیار ضعیف تر خواهد بود.

اوضاع منطقه و بین المللی

تجاوز و حمله نظامی روسیه به خاک اوکراین

۲۴ فوریه ۲۰۲۲ را می‌توان به عنوان روزی سیاه در تاریخ اروپا بعد از جنگ جهانی دوم ثبت کرد که بزرگترین لشکرکشی و تجاوز به خاک یک کشور مستقل در اروپا در ۷۷ سال گذشته می‌باشد.

سرزمین اوکراین از زمین، هوا و دریا توسط تانک ها، موشک ها، هواپیماها و کشتی‌های روسیه مورد

تهاجم و تجاوز نظامی قرار گرفتند. شهرها ویران، هزاران انسان کشته و زخمی و میلیون ها زن و کودک، آواره و ناچار به فرار و پناه بردن به کشورهای دیگر شده اند.

حمله تجاوزکارانه روسیه به اوکراین باید متوقف شود. ارتش روس باید از تمامیت خاک اوکراین خارج شود. اوکراینی مستقل، آزاد، دموکراتیک، یکپارچه و حاکم بر سرنوشت خود به رسمیت شناخته شود.

افغانستان

در پی خروج نیروهای نظامی آمریکا و دیگر کشورهای غربی پس از بیست سال از افغانستان، بنیادگرایان اسلامی، طالبان، دوباره قدرت را در این کشور به دست گرفتند. اینان همچون گذشته افغانستان را با یک بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سخت روبرو کرده اند. در این میان زنان، که بیشک اولین قربانیان حکومت های اسلام گرا هستند، تحت شدیدترین فشار و سرکوب قرار گرفته اند. به عنوان نمونه: بسته شدن مدارس دخترانه، اخراج کارمندان زن، اجباری کردن برقع، جلوگیری از رفت و آمد آزادانه ی زنان در شهر...

با این همه، زنان و کنشگران مدنی از پای ننشسته اند، به رغم دستگیری و زندان، در هر فرصتی برای رساندن صدای آزادی خواهانه خود به خیابان ها می آیند.

انتخابات آمریکا

شکست ترامپ و پیروزی حزب دموکرات و جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر 2020، یکی از رویدادهای مهم سال های اخیر به شمار می آیند.

اگر چه بایدن هفت میلیون رأی بیشتر به دست آورد، اما این را تاب تحملی برای ترامپ نبود. به طوری که حامیان راست افراطی او در یک اقدام کودتاگرانه با تشویق او دست به حمله به کاپیتول و اشغال آن در زمان انتخاب رئیس جمهور جدید توسط نمایندگان منتخب زدند.

در این دو سالی که از ریاست جمهوری بایدن می‌گذرد، تغییر و چرخشی اساسی در سیاست‌های خارجی ایالات متحده به وجود نیامده است. از جمله در خاور میانه، سیاست‌های پشتیبانی از رژیم‌های عربستان سعودی و اسرائیل ادامه پیدا کرده‌اند.

آمریکا در سطح بین‌المللی، به سیاست رقابت‌آمیز سختی با روسیه و به‌ویژه و بیش از همه با هژمونی‌طلبی نو پا و جهانی چین ادامه می‌دهد. در این میان، مناسبات نزدیک‌تری با اتحادیه اروپا برقرار شده است.

تنها شاید بتوان گفت که یکی از تغییرات قابل ملاحظه در سیاست خارجی آمریکا در دوره‌ی بایدن، از سرگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران است. قراردادی که در زمان اوباما به امضاء رسید و در دوران ماجرایی‌های ترامپ به طور یک‌جانبه از طرف آمریکا فسخ شد. اکنون بیش از یک سال است که مذاکرات بین طرفین و با حضور نمایندگان اتحادیه اروپا، روسیه و چین جریان دارد. پاره‌ای از ناظران سیاسی نتایج مثبت و امیدوارکننده‌ای را در این مذاکرات گزارش می‌دهند.

أوضاع خاورمیانه

در خاورمیانه، با وجود مبارزات و مقاومت‌های مردم برای کسب آزادی، دموکراسی، بهزیستی و عدالت اجتماعی، حکومت‌های ارتجاعی، دیکتاتوری و اسلامی همواره دستِ بالا را دارند. جمهوری اسلامی هم‌چنان به سیاست‌های برتری‌جویانه و حمایت همه‌جانبه خود

از بنیادگرایان اسلامی و تروریست در عراق، جنوب لبنان، فلسطین و یمن ادامه می‌دهد. رژیم پادشاهی سعودی، در رقابت با ایران، بمباران مناطق زیر نفوذ حوثیان شیعی- یمنی را ادامه می‌دهد.

حکومت جدید و ائتلافی در اسرائیل، تغییری در ساسیتهای ضد فلسطینی، کلنیسازی و قدرتطلبانهی خود در منطقه نداده است.

دیکتاتوری اسد در سوریه، به کمک روسیه و ایران و دیکتاتوری اردوغان در ترکیه به زور و زندان، هر چه شدیدتر بر مردمان خود ستم روا می‌دارند.

جنبش های اجتماعی

مدتی از مراسم تحلیف رئیس جمهوری برگزار نشده بود که اعتراضات به بحران کمبود آب در استان خوزستان شروع شدند و در پی آن اعتراضات وسیع مردم در اکثر شهرهای کشور به وقوع پیوستند که بی کفایتی و عدم مدیریت حکومت گران را نشان می‌دهند.

این بار نیز به مانند چهار دهه سرکوب، زندان و کشتار اعتراضکنندگان، حکومت دست به سرکوب معترضین زد و دهها نفر را کشت یا مجروح کرد و یا روانه زندانها ساخت.

و این پایان اعتراض مردم جان به لب رسیده و خسته از فقر، شکاف طبقاتی، تورم، بحرانهای پی در پی نبود. بی شک جنبش وسیع مردمی آبان ۹۸ سراغاز حرکت ها و اعتراضات گوناگون در عرصه های مختلف اجتماعی را به دنبال داشته است.

چنانچه در ماه های اخیر بازم شاهد تجمعات گسترده مردم در شهرهای مختلف ایران هستیم. در پی گرانی مایحتاج اولیه زندگی، مدم بعنوان اعتراض به سیاست های ضد انسانی حکومت به خیابان ها آمدند که با سرکوب شدید و وحشیانه ای روبرو شدند. تعدادی

کشته و بخش وسیعی دستگیر و روانه زندان شدند.

جنبش معلمان

بی‌شک یکی از تاثیر گذارترین جنبش‌های مردمی در چند سال اخیر، جنبش معلمان در سراسر کشور بوده است. معلمان فعالیت خود را از چند دهه پیش از طریق به وجود آوردن کانون‌های مختلف صنفی آغاز کرده‌اند. معلمان در سال گذشته، با وجود شیوع کووید ۱۹ و بی‌توجهی و عدم مدیریت و بی‌کفایتی دولت در اجرای واکسیناسیون که منجر به بیماری کادر عظیم آموزش و پرورش شد، با شجاعتی کم نظیر توانستند باز هم با حضور گسترده خود حرکتی وسیع را سازمان‌دهی کنند که پشتیبانی اقشار مختلف و همچنین دیگر اتحادیه‌های صنفی را با خود داشته است. کانون‌های صنفی معلمان از سازمان‌هایی با نظرگاه‌های سیاسی مختلفی مانند انجمن اسلامی معلمان، کانون صنفی معلمان، مجمع فرهنگیان ایران و چند جریان دیگر فرهنگیان به وجود آمده‌اند و با تشکیل "شورای هماهنگی معلمان" موفق شده‌اند، اعتراضات سال‌های اخیر را در شکلی وسیع، منسجم، متحد و سراسری سازمان‌دهی کنند. در یک سال اخیر در بیش از صد شهر تظاهرات خیابانی با شعارهای مشترک و همه گیر برگزار شده است. اگرچه در این اعتراضات ده ها نفر توسط دستگاه‌های امنیتی دستگیر و به مدت‌های طولانی زندانی شده‌اند، اما حکومت اسلامی نتوانسته است از عزم راسخ معلمان به منظور برخورداری از حق قانونی خود جلوگیری کند. "شورای هماهنگی معلمان" در سال اخیر ۸ فراخوان برای خواسته‌های خود انتشار داده است. مهمترین خواسته‌های آنان، رتبه‌بندی با همترازی حداقل ۸۰ درصد، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، عدالت آموزش برای دانش‌آموزان (مدارس انتفاعی و غیر انتفاعی)، رسیدگی به وضعیت صندوق معلمان، عدم برخورد امنیتی به معلمان معترض، آزادی معلمان زندانی و چندین خواست دیگر عنوان شده‌اند. در اواخر ۱۴۰۰ و در پی اعتراضات گسترده و مستمر معلمان، دولت وقت مجبور

به عقب نشینی شده و برای اجرای لایحه رتبه‌بندی معلمان قول داده است. با این که هنوز هیچ یک از خواست‌های به حق معلمان و بازنشستگان تحقق نیافته است، اما این حرکات گسترده، دستاوردهای بزرگی مانند تشکیل کانون‌های مستقل صنفی در شهرهای گوناگون و حمایت دیگر اقشار جامعه از این اعتراضات را برای جامعه مدنی ایران در بر داشته است. در ماه گذشته و به مناسبت روز معلم (۱۲ اردیبهشت)، شاهد برخورد خشن حکومت در برابر تجمع مسالمت آمیز معلمان در اکثر شهرهای ایران بوده‌ایم. در این میان پس از ضرب و شتم معترضین، تعداد زیادی از معلمان، کنشگران و فعالان مدنی دستگیر و روانه زندان شدند که بعضاً تهمتهای واهی جاسوسی و همکاری با دولت‌های خارجی را در پرونده آنها وارد کرده‌اند. رسول بداقی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، علی اکبر باغانی و ده ها نفر دیگر جزو بازداشتیان هستند.

جنبش زنان

حضور زنان در جنبش‌های مدنی ایران سابقه ای طولانی دارد و توانسته در سال‌های پیشین زنان بسیاری را به منظور اعتراض به سرکوب، نابرابری و دستیابی به خواست‌های حقوقی برابر با مردان در همه زمینه‌ها با خود همراه کند و منجر به آگاهی جنسیتی در میان مردم شود. اکنون نیز به اشکالی دیگر حضور و پشتیبانی خود از دیگر جنبش‌های مدنی و همگامی با اعتراضات کارگری، دانشجویی و معلمان را به معرض نمایش می‌گذارد. کنشگران بسیاری از این جنبش در زندان‌های رژیم‌اند که نمایانگر حضور فعال آنان در اعتراضات گوناگون است. از نمونه‌های اخیر اعتراضات زنان به مردسالاری حاکم بر جامعه که مشروعیت شرعی نیز دارد، می‌توان به بیانیه بیش از ۳۰۰ سینماگر زن علیه "خشونت، آزار و باج‌گیری جنسی" در دنیای سینمای ایران اشاره کرد.

جنبش‌های کارگری

سیاست فساد و رانت خواری، عدم مدیریت، فقدان امنیت شغلی و مشکلات مختلف دیگر، کارگران اکثر شهرها در ایران را وادار به واکنش‌های سراسری کرده که در شکلی وسیع با اعتراضاتی متداوم و گسترده شکل گرفت. بنابر گزارش‌های موجود، ۹۵٪ از معادن ایران به بخش خصوصی واگذار شده و در این روند خصوصی‌سازی، مشکلات کارگران همچنان باقی مانده است. اعتراض کارگران و مهمترین خواست آنان برای افزایش دستمزدها، همسان‌سازی حقوق با کارگران معادن دولتی، پرداخت حقوق‌های معوقه، امنیت شغلی.. بوده است.

اگر چه در بیش از چهار دهه از استقرار حکومت اسلامی، هر روز شاهد اعتصاب و اعتراض بخشی از کارگران بوده ایم، اما در سال گذشته تجمع و اعتراضات خیابانی کارگران به شکلی عیان تر و نیز تاثیرگذارتر انجام گرفته است. بی شک کارگران هفت تپه را می توان به عنوان سمبل و کانون مبارزه و مقاومت در مبارزات کارگری به حساب آورد. یکی از دستاوردهای مهم این مبارزات، بازپس‌گیری مدیریت کارخانه از دست آقازاده‌ای بود که پس از چندی و با فشار و اعتراض کارگران، توسط قوه قضاییه به جرم فساد مالی محکوم شد و بالاخره کارخانه نیشکر هفت تپه در اختیار شرکت توسعه نیشکر قرار گرفت. در بهار ۱۴۰۰ شاهد آغاز اعتراضات کارگران در پالایشگاه‌های عسلویه، نفت و گاز پارس جنوبی و کنگان بودیم. عمده اعتراضات کارگران، توسط کارگران پیمانی که حدود ۱۳ هزار نفر می‌باشند، صورت گرفتند.

اخبار کارزار بزرگ این کارگران به شکلی گسترده در سراسر کشور و نیز در خارج از ایران توسط شبکه‌های مختلف مجازی پخش گردید. خواست و مطالبات این کارگران پیمانی، مدت مرخصی تعیین شده (برای ۲۰

روز کار، ده روز مرخصی)، افزایش دستمزدها و امنیت شغلی، شرایط انسانی و بهداشتی محیط کار اعلام شد. این اعتراضات با وجود پراکندگی و عدم سازماندهی، توانست ۴۰ روز تداوم داشته باشند. در این میان کارگران به درستی دریافته اند، برای مقابله با مشکلات و درخواستهای خود، تنها چاره ایجاد تشکلهای مستقل صنفی است. بنابر گزارشهای موجود، از شهریور تا بهمن ۱۴۰۰ یازده انجمن صنفی کارگری به دیگر کانونهای صنفی کارگران اضافه شده است. در آستانه مراسم برگزاری روز کارگر و تجمع کارگران در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱، حکومت با پورش به محل سکونت برخی از فعالان شناخته شده کارگری، دستگیری وسیعی را آغاز نمود. همچنین در اعتراضات اخیر کارگری شاهد پشتیبانی اصناف کارگری از خواستهای یکدیگر و همبستگی با جنبش معلمان و دیگر اصناف بوده ایم.

وضعیت اجتماعی و اقتصادی

بیماری فراگیر کووید 19 که از ۱۳۹۹ آغاز شده بود، میلیون ها نفر را در سراسر جهان در گیر خود کرده و تعداد خیلی زیادی را به کام مرگ فرو بُرد. در ایران نیز به علت بی کفایتی حکومت و عدم دسترسی اکثریت مردم به واکسنهای معتبر، نبود خدمات بهداشتی، کمبود دارو و... شمار قربانیان به صدها هزار نفر رسید.

بی کفایتی، ناکارآمدی، سوء مدیریت و فساد گسترده حاکمان جمهوری اسلامی در سراسر عمر بیش از چهل ساله خود، عامل اصلی نابسامانی اقتصادی و فقر در جامعه است. اما تحریمهای اقتصادی امریکا به ویژه تحریم های گسترده اعمال شده در دوران رونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین امریکا، همراه با عوامل نام برده شده در بالا، کشور را با بحرانی وسیع روبرو کرده است. بحرانی که فشار اصلی آن بر گرده مزد بگیرانی مانند کارگران، معلمان، کارمندان و بخشهای تهیدست جامعه می باشد.

با نگاهی به شرایط زیست اقتصادی مردم، خصوصاً بخشهای کم درآمد، به روشنی میتوان دید که بنیه و قدرت خرید مردم هر روز پایین تر رفته و حتی با اعلام حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومان، باز هم جوابگوی نیازهای خانوادههای کم درآمد نیست. بر اساس ارقام جدید مرکز آمار، ایران با حداقل دستمزد ۷۵ دلار ماهیانه، در رتبه ۱۶۰ جهانی، پایین تر از عراق، بنگلادش و لیبی قرار دارد. میتوان سیاست اقتصادی مافیایی و رانت خواری را که فساد گستردهای در جامعه به وجود آورده است، در قدرت سپاه پاسداران و چندین بنیاد دولتی مشاهده کرد که نبض اقتصاد کشور را در دست دارند.

براساس گزارش جدید سازمان آمار ایران، اگر شرایط بحران اقتصادی به همین شکل ادامه پیدا کند و نیز تحریمها برجا بمانند، نرخ متوسط سالانه تورم و نرخ رشد ارز سالیانه رشد خواهند کرد. حتی اگر تحریمها هم برداشته شوند، باز هم نرخ تورم باقی خواهد ماند.

به زبانی دیگر اگر اوضاع به همین منوال ادامه پیدا کند، دولت در چند سال دیگر ورشکسته خواهد شد و قادر به ادامه وضعیت موجود نخواهد بود.

بحران زیست محیطی در ایران

ایران، به ویژه در سالهای اخیر و در پی روند شتابان تخریب محیط زیست و تغییرات اقلیمی در سطح جهانی، با بحرانهای گوناگون و بیسابقه زیست محیطی رو به رو شده است. بحرانهایی که زندگی اجتماعی و حیات انسانی را بر مردمان این سرزمین بسیار سخت کرده اند. بخش بزرگی از این بحرانها به طور مستقیم ناشی از بی کفایتی مطلق مدیریتی و اجرائی رژیم و بی توجهی عمومی به عامل اساسی پاسداری از محیط زیست و اقلیم در ایران است، امری که امروزه باید در رأس برنامه ریزیهای اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی در همه کشورها از جمله در کشور ما قرار گیرد.

در زمینه‌ی عملکرد زیست محیطی، بنابر آمار معتبر جهانی، ایران از میان ۱۳۲ کشور مورد مطالعه، در جایگاه ۱۱۴ قرار گرفته است.

بحران‌های زیست محیطی در ایران زمینه‌های مختلفی را در بر می‌گیرند:

- بحران کم‌آبی، به‌ویژه در بخش‌های مرکزی، جنوبی، جنوب شرقی و جنوب غربی کشور، که از جمله ناشی از برداشت بی‌رویه شدید و فاجعه‌بار از منابع آب‌های زیر زمینی، مصرف نادرست آب در کشاورزی و شرب، سدسازی‌ها در گذشته و غیره می‌باشد.

- بحران خشکسالی بلند مدت در ایران، که از جمله ناشی از کاهش میزان بارش می‌باشد (میزان متوسط بارندگی ایران تقریباً یک سوم میانگین جهانی گزارش شده است)، باعث بهره‌برداری نامناسب از ذخایر آب زیر زمینی و از بین رفتن تدریجی گیاهان و مراتع می‌شود.

- بحران تغییرات آب و هوایی جهانی. طبق تحلیلی که از سوی کشور هلند منتشر شده است، تغییرات آب و هوا می‌تواند تا سال‌های ۲۰۵۰ حدود ۱۷ درصد از مجموع منابع آب‌های تجدید شونده ایران را کاهش دهد. در آن زمان میزان نیاز سالانه آب ایران بیش از ۴۰ درصد فراتر از حجم منابع تجدید شونده آب این کشور خواهد بود.

- بحران آلودگی محیط زیست و هوا در ایران، اثرات منفی فراوانی بر جسم و روان شهروندان می‌گذارد. طبق گفته سازمان بهداشت جهانی سه شهر از پنج شهر نخست در فهرست آلوده‌ترین شهرهای جهان (اهواز، کرمانشاه و سنندج) در ایران قرار دارند که میزان آلودگی هوا در این شهرها چهار تا هفت برابر سطح قابل قبول سازمان بهداشت جهانی می‌باشد. ایران به سبب کیفیت نامطلوب هوا از میان ۹۱ کشور مورد

بررسی، در جایگاه ۸۶ قرار گرفته است. آلودگی هوا تنها در تهران منجر به مرگ سالانه بیش از ۵۵۰۰ نفر بر اثر بیماری های قلبی عروقی و تنفسی می شود.

بحران ژرف زیست محیطی و آب و هوایی در ایران و جهان گریبان بشریت امروزی را به گونه ای گرفته که امکان ادامه ی حیات انسان روی زمین را به طور جدی مورد خطر قرار داده است، در نتیجه نیاز مبرم و الزام آور به تجدیدنظر و تغییر روش بنیادین در تمامی عرصه های سیستم اقتصادی، تولیدی، مصرفی، اجتماعی، فرهنگی... است.

باید در ابداع و ایجاد شکل های دیگر و نوینی از زندگی جمعی در مشارکت و همبستگی آزادانه، برابری و رهایی خواهانه کوشید. هم چنین استخراج و استفاده از انرژی های فسیلی (ذغال سنگ، گاز و نفت...) و انرژی اتمی (غنی سازی اتمی، نیروگاه های هسته ای) منع باید گردند و در راستای جایگزینی آنها با انرژی های پاک و غیرکربنی گام برداشته شوند. باید به تولیدگرایی، مصرفگرایی و سیستم های مبتنی بر سودجویی سرمایه دارانه، بر اقتصاد و فرهنگ رشد و بر زیاده خواهی ها... که همگی به نابودی بشر و محیط زیست بر روی کره زمین می انجامند، پایان داد.

وضعیت حقوق بشر

نقض حقوق بشر در ایران توسط جمهوری اسلامی در سال گذشته شتاب بیشتری گرفته و به ابعاد بی سابقه ای رسیده است. شمار اعدام ها نسبت به سال 2021 بیش از 10% افزایش یافته است. جمهوری اسلامی با بیش از ۳۶۶ نفر اعدام (براساس آمار سازمان عفو بین الملل) به همراه چین در صدر بیشترین تعداد اعدام در جهان قرار دارد. جوانان زیادی مانند نوید افکاری ها که جرمشان عشق به زندگی و آزادی بود، پس از مدتها شکنجه های طاقت فرسا برای گرفتن اعترافات دروغین،

به دار کشیده شدند و جانشان را از دست دادند.

با گسترش مرگ و میر کرونا در سراسر جهان، حکومت ایران با دستور خامنه‌ای خرید واکسن‌های غربی را ممنوع کرد و از این طریق باعث مرگ هزاران انسان در ایران شد. در زندان‌ها نیز، علیرغم همه هشدارها، عدم رعایت عامدانه پروتکل‌های بهداشتی مرگ تعداد زیادی از زندانیان را رقم زد. مرگ بکتاش آبتین یکی از نمونه‌های آشکار آن است. در این دوران، فعالان سیاسی، محیط زیست و حقوق بشر زیادی در زندان‌ها، بدون کوچکترین امکانات بهداشتی و دارویی، در زیر بدترین شکنجه‌ها و در سرماهای زمستانی و بدون حق مرخصی، همچنان دربند باقی ماندند. کسانی مانند خانم‌ها مریم اکبری منفرد و زینب جلالیان بیش از ۱۳ سال است که هرگز اجازه مرخصی را نداشته‌اند. زنان مبارزی مانند نسرين ستوده، نرگس محمدی، سپیده قلیان و نمایندگان کارگران، کانون نویسندگان، معلمان، زنان و کنشگران جوامع مدنی مانند نوری زاده و پسرش، برای چندمین بار به زندان‌ها فراخوانده شدند.

به گلوله بستن کولبران، سوخت‌بران و سرکوب مردم در مناطق مختلف به ویژه در کردستان، خوزستان، بلوچستان، اصفهان، کرج و... همچنان ادامه دارد. هنوز دستگیر شدگان دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ در سیاه‌چال‌ها به سر می‌برند.

ربودن فعالان سیاسی در خارج از کشور مانند جمشید شارمهد، روح الله زم و حبیب اسیرود و یا به گروگان گرفتن ایرانیان دو تابعیتی جهت معامله با کشورهای غربی مانند فریبا عادلخواه، پژوهشگر، از دیگر موارد نقض حقوق بشر به دست حکومت جمهوری اسلامی می‌باشد.

در آخرین روزهای سال ۱۴۰۰، رژیم ایران دو تن از گروگان‌های دو تابعیتی خود را در برابر دریافت پول از انگلستان آزاد نمود. ما ضمن ابراز شادمانی خود، از آزادی خانم نازنین زاغری و آقای انوشه

آشوری، این کار رژیم ایران را که نوعی گروگان گیری شهروندان است، به شدت محکوم می‌کنیم.

از دیگر موارد نقض حقوق بشر در ایران می‌توان از شلیک عامدانه موشک به هواپیمای اوکرائینی توسط سپاه پاسداران در دیماه ۱۳۹۹ نام برد که باعث جان باختن ۱۷۹ انسان شد. اعتراضات خانواده‌های جانبازان این جنایت همچنان ادامه دارد.

به طور کلی در برابر این همه ستم و بیدادگری، ما شاهد درخشش نور تابان دادخواهی در سطح جهان بودیم. دستگیری حمید نوری، به کوشش برخی از فعالان و کوشندگان حقوق بشری، یکی از بزرگترین اقدامات دادخواهی پس از تلاش‌های شبانه روزی مادران و خانواده های داغدار بود که در استکهلم در یک دادگاه بی طرف بین المللی انجام گرفت. محاکمه حمید نوری در این دادگاه یک پیروزی بزرگ در تاریخ سیاه جمهوری اسلامی استبدادی است و می‌تواند سرآغاز افشای دیگر جنایات و دیگر جانیان در زندان‌های دیگر باشد. رژیم جمهوری اسلامی همیشه تلاش کرده، کشتار دهه ۶۰، به ویژه سال ۶۷، را با سکوت خود در پشت پرده نگاه داشته و از حافظه تاریخی مردم ایران پاک کند. رژیم حتی از اعلام نام اعدام شدگان و آرامگاه آنان خودداری می‌کند که خلاف قوانین بین المللی است.

دادگاه حمید نوری و شهادت دقیق جان سالم به در بردگان، چهره کریه سران رژیم، از جمله رئیسی‌ها، اشراقی‌ها، نیری‌ها، ناصریان‌ها و لشگری‌ها را برای مردم ایران آشکار نمود.

پناهندگان افغان در ایران که در پی جنگ‌های متوالی و بحران‌های اقتصادی، مجبور به ترک وطن شده‌اند، در وضعیت به غایت غیرانسانی و عدم برخورداری از هرگونه حقوق شهروندی به سر می‌برند.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران همانند همه نیروهای آزادی خواه و متمدنی، خواستار آزادی

بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، عقیدتی و معترضین صنفی است. ما خواهان ممنوعیت اعدام و شکنجه و بسته شدن تمامی زندان‌های عقیدتی و سیاسی هستیم و بار دیگر بر اجرای کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر 1948) و میثاق‌های بین‌المللی درباره‌ی حقوق مدنی و سیاسی، به ویژه بر آزادی اندیشه، بیان، تشکل و دیگر آزادی‌های مندرج در این منشورها پافشاری می‌کنیم.

چشم انداز و موضع ما

همان‌گونه که اوضاع عمومی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ایران نشان می‌دهند، رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی پیشرفت به سوی آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی می‌باشد. مردم ایران خواهان مناسبات عادلانه و عاری از تبعیضات اقتصادی و اجتماعی هستند و نیز خواستار مشارکت فعال در جامعه‌ای آزاد، انسانی و دموکراتیک می‌باشند. در عین حال بیش از پیش آشکار است که امروزه اکثریت جامعه ایران خواهان عبور از نظام جمهوری اسلامی است و خیزش‌های مردمی در چند سال اخیر نشان‌گر این حقیقت می‌باشند.

برآمدن هرچه بیشتر همبستگی‌ها و همکاری‌ها در میان جنبش‌های اجتماعی و مدنی در داخل کشور در دفاع از آزادی، دموکراسی، جمهوریت، عدالت اجتماعی، جدایی دولت و دین، حقوق بشر و استقلال سرنوشت‌ساز می‌باشند. نیل به این اهداف در جامعه در گرو نفی تمامیت جمهوری اسلامی با مشارکت آگاهانه و رهایی‌خواهانه مردم در امور خود می‌باشد.

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران بر آن است تا در حمایت از مبارزات مردم و جنبش‌های اجتماعی، در جهت سرنوشتی نظام و استقرار مناسباتی بر اساس آزادی استقلال، جمهوری، دموکراسی، لائیسیته و عدالت اجتماعی، و هم‌چنین بر پایه اعلامیه جهانی

حقوق بشر و پیوست‌های آن تلاش نماید.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

گزارش گردهمایی سراسری یازدهم جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۸ و ۲۹ مه ۲۰۲۲ - ۷ و ۸ خرداد ۱۴۰۱

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران در روزهای ۲۸ و ۲۹ مه ۲۰۲۲ - ۷ و ۸ خرداد ۱۴۰۱ گردهمایی سراسری یازدهم خود را با شرکت حضوری و مجازی در پاریس برگزار کرد.

در روز نخست، پس از خوشامدگویی توسط شورای هماهنگی به شرکت کنندگان، به احترام تمامی جانباختگان راه آزادی، یک دقیقه دست زده شد.

پس از آن، آیین نامه و دستور گردهمایی مطالعه شد و با تغییر برخی نکات آنها به تصویب رسید.

بنا بر رسم همیشگی، در آغاز، شورای هماهنگی وقت به عنوان هیت رئیسه موقت، ریاست جلسه را برعهده گرفت و پس از پایان کار آنان، سه نفر بعنوان هیت رئیسه دائم گردهمایی، از میان کاندیداها و پیشنهادها انتخاب شدند.

در دیگر بخش، گزارش شورای هماهنگی پیشین و گزارش مالی ارائه گردید و حاضران پرسشهای خود را مطرح کردند.

پس از آن بیانیه سیاسی در دستور کار قرار گرفت و همراهان پیشنهادهایی را مطرح کردند. کمیسیونی مرکب از سه نفر برای وارد کردن نظرات تصحیحی در بیانیه سیاسی انتخاب شدند.

در بخش دیگر، سند ساختار که با سه پیشنهاد تدوین شده بود، مورد بحث قرار گرفت که در آغاز یکی از پیشنهاددهندگان طرح خود را پس گرفت و تنها دو پیشنهاد به منظور بحث در دستور جلسه قرار گرفت. پس از ابراز نظر همراهان، اقدام به رای گیری شد که یکی از پیشنهادها مورد تایید اکثریت حاضران در جلسه قرار گرفت.

یک پیشنهاد برای تغییر و اصلاح قطعنامه تصویب شده در گردهمائی دهم درمورد شکل و چگونگی همکاری با دیگر نیروهای جمهوریخواه و دموکرات، طرح گردید و برای تصمیم گیری به روز یکشنبه موکول گردید.

پس از پایان جلسه معمول گردهمایی، براساس برنامه از پیش تعیین شده، بحث و گفتگویی به صورت حضوری و از طریق زوم تحت عنوان "همگرایی جمهوریخواهان ایران، درک ها، شیوه ها و چگونگی آن" صورت گرفت. در پی صحبت هایی که از جوانب مختلف و با دیدگاه های گوناگون انجام گرفت، اکثریت شرکت کنندگان بر همکاری های مشترک جمهوریخواهان دموکرات، لائیک و مستقل تاکید داشتند. دفاع و پشتیبانی از مبارزات مردم و جنبشهای های مدنی نیز یکی از وظایف جمهوریخواهان خواهد بود. مهم تر آنکه علاقه حاضران از تشکیل و ادامه چنین بحث هایی در آینده بود.

در دومین روز گردهمایی و در اولین دستور جلسه، کمیسیون منتخب نشست به منظور تکمیل و تصحیح بیانیه سیاسی، نکات پیشنهاد شده را مجدداً قرائت کرد. پس از بحث و تبادل نظر حاضران، بیانیه سیاسی با رای اکثریت به تصویب رسید.

پس از آن کمیسیون سند ساختار نیز گزارش خود را در جهت تدوین سند ساختار با تغییراتی اعلام کرد. سند

ساختار جدید نیز با رای اکثریت تصویب شد.

دستور جلسه پایانی نشست، تصویب قطعنامه همکاری با سایر نیروهای جمهوریخواه (مصوبه گردهمایی دهم) و پیشنهاد جدید یکی از همراهان، مجدداً مورد بحث قرار گرفت. پس از بحث طولانی حاضران در نشست و همچنین اهمیت این مصوبه بعنوان موضع جنبش به منظور همکاری های آینده با نیروهای جمهوریخواه، جلسه به توافق کامل نرسید. تصمیم گرفته شد در ماه های آتی در جلسات داخلی بیشتر و دقیق تر در این مورد صحبت شود تا بتوان نظر موافق اکثریت را برای قطعنامه به دست آورد. بدین ترتیب تا تصمیم گیری جدید، مصوبه گردهمایی دهم همچنان به قوت خود باقی است.

در این مرحله از گردهمایی، سه نفر از همراهان از بین کاندیدها و پیشنهادها، به عنوان شورای هماهنگی برای زمان بین گردهمایی یازدهم و دوازدهم، انتخاب شدند.

در پایان گردهمایی یازدهم، حاضران در نشست آن را مثبت ارزیابی کرده و همگی بر تلاش و کوشش برای همکاری های نیروهای جمهوریخواه، دموکرات و لائیک که هدف آن دفاع و پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران است، تاکید داشتند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

6 ژوئن ۲۰۲۲ - 16 خرداد ۱۴۰۱